



فی الحدود در مرزها

الجَدَّةُ : أَلُو. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَزِيزِي. مادربزرگ: الو. سلام بر تو عزیزم

مُحْسِنٍ : عَلَيكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتَ؟ سلام بر شما. شما کیستید؟

الجَدَّةُ : كَيْفَ مَا عَرَفْتَ جَدَّتَكَ؟! مادربزرگ: چطور (چگونه) مادربزرگت را شناختی؟

مُحْسِنٍ : عَفْوًا؛ مَا عَرَفْتُ صَوْتَكَ. كَيْفَ حَالُكَ؟ محسن: ببخشید. صدایتان را شناختم. حالتان چطور است؟

الجَدَّةُ : أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ حَالِكُمْ؟ من خوبم و حالت شما چطور است؟ (شما چطورید)؟

مُحْسِنٍ : كُلُّنَا بِخَيْرٍ. محسن: همگی مان خوبیم.

الجَدَّةُ : أَيْنَ أَنْتُمْ الْآنَ؟ مادربزرگ: شما کجا هستید الان؟

مُحْسِنٍ : وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مِهْرَانَ فِي الْخُدُودِ. محسن: به شهر مهران در مرزها رسیدیم.

الجَدَّةُ : أَيْنَ الْوَالِدِ وَالْوَالِدَةِ؟ مادربزرگ: پدر و مادرت کجا هستند (کجا)؟

مُحْسِنٍ : هُمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ. محسن: آن دو روی صندلی نشسته اند.

الجَدَّةُ : هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟ مادربزرگ: آیا آن دو خوبند؟

مُحْسِنٍ : نَعَمْ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ. بله. شکر خدا

الجَدَّةُ : كَيْفَ الْجَوُّ هُنَاكَ؟ مادربزرگ: هوا آنجا چگونه است؟





..مُحْسِنٍ : الْجَوُّ بَارِدٌ قَلِيلًا محسن: هوا کمی سرد است.

ترجمه تصاویر صفحه ۶۱ ۱- ما تکالیفمان را نوشتیم. ۲- مادر کتابخانه نوشتیم.



بدانیم

۱. به جمله عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٍ.	مَا اَنْجَمَ دَادِيْمَ.	نَحْنُ فَعَلْنَا.		
				

جمله «نَحْنُ فَعَلْنَا» برای مثنی و جمع و برای مذکر و مؤنث به یک شکل به کار می‌رود.

پاسخ تمرین اول صفحه ۶۲ و ۶۳ ۱- برای مردم در این قرآن از هر(چیز) مثال زدیم. ۲- آیا تو ای ابراهیم این کار را با خدایان ما

انجام دادی. ؟ ۳- برای ما مثال زد و خلقتش را فراموش کرد. ۴- بچه گفت «من ناراحت نشدم». ۵- ما از مرز عبور کردیم

پاسخ تمرین دوم صفحه ۶۳ اَلْفُسْتَانِ مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ اَلْعِلْمُ كَنْزٌ اَلدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْاٰخِرَةِ اَلصَّلَاةُ عَمَوَالِدِيْنَ اَلنِّسِيَانِ آفَةُ اَلْعِلْمِ اَلسُّؤَالُ مِفْتَاحُ اَلْعِلْمِ

پاسخ تمرین سوم صفحه ۶۳ و ۶۴ ۱- من کمی ناراحت شدم. ۲- تو او را یاری کردی، برای اینکه تو شریف هستی. ۳- تو چادر

زیبایی پوشیدی. ۴- او روی زمین افتاد. ۵- او چیزی را فراموش کرد. ۶- ما چوب را قطع کردیم. ۷- ما از کوه بالا رفتیم.

۸- ما احساس افتخار کردیم. ۹- ما برای گرفتن جایزه ها ایستادیم. ۱۰- ما بسیار خوشحال شدیم.

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir